

پیش‌بینی سرخوردگی زناشویی براساس کیفیت روابط و تحریف‌های شناختی با میانجی‌گری بخشش در زنان دارای روابط خانوادگی آشفته

Prediction of Marital Frustration based on the Quality of Relationships and Cognitive Distortions with the Mediation of Forgiveness in Women with Distressed Family Relationships

Esmaeil Sadipour, PhD

Nahid Meraji, PhD[✉]

Aylin Nouri, MSc

Hesam Vaseghi, MSc

اسماعیل سعدی‌پور^۱

ناهید معراجی^۲

آیلین نوری^۳

حسام واثقی^۴

Abstract

This research was conducted with the aim of predicting marital frustration based on the quality of relationships and cognitive distortions with the mediation of forgiveness in women with distressed family relationships. The descriptive research method was correlation type with path analysis. The statistical population included all women with distressed family relationships who referred to counseling and psychotherapy centers in Tehran (Districts 15 and 14) in the first half of 2024, 172 of whom were selected by convenience sampling and the Marital Forgiveness Questionnaire (MFQ) (Rye et al, 2001), Marital Disillusionment Scale (MDC) (Niehuis & Bartell, 2006), Relationship Quality Scale (RQ) (Chonody et al., 2018), and Interpersonal Cognitive Distortions Scale (ICDS) (Hamamci & Buyukozturk, 2004) answered. Path analysis was used to analyze the data with LISREL software version 8.8. Based on the findings, marital frustration had a significant relationship with relationship quality ($r = -0.422$), cognitive distortions ($r = 0.491$) and forgiveness ($r = -0.363$) ($p < 0.01$). Also, forgiveness in the relationship between relationship quality and marital frustration with standard effect (0.07) and path coefficient (-0.34) and in the relationship between cognitive distortions and marital frustration with standard effect (0.06) and coefficient Path (0.29) had a significant indirect effect ($p < 0.01$). It can be concluded that the research model has a good fit. Therefore, special attention and importance should be given to the variables of relationship quality, cognitive distortions, and forgiveness; because by knowing these factors, an important step can be taken to reduce distressed family relationships.

Keywords: Marital Frustration, Quality of Relationships, Cognitive Distortions, Forgiveness, Distressed Family Relationships.

چکیده

این پژوهش با هدف پیش‌بینی سرخوردگی زناشویی براساس کیفیت روابط و تحریف‌های شناختی با میانجی‌گری بخشش در زنان دارای روابط خانوادگی آشفته انجام شد. روش پژوهش توصیفی از نوع همبستگی با تحلیل مسیر بود. جامعه آماری شامل تمامی زنان دارای روابط خانوادگی آشفته مراجعه کننده به مراکز مشاوره و روان‌درمانی شهر تهران (مناطق ۱۵ و ۱۴) در نیمه اول سال ۱۴۰۳ بودند که تعداد ۱۷۲ نفر به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب و به پرسشنامه بخشش زناشویی (MFQ) (ری و همکاران، ۲۰۰۱)، مقیاس سرخوردگی زناشویی (MDC) (نی‌هویس و بارتل، ۲۰۰۶)، کیفیت روابط (RQ) (چاندی و همکاران، ۲۰۱۸) و تحریف‌های شناختی بین فردی (ICDS) (حامام‌سی و بویوک اوزتورک، ۲۰۰۴) پاسخ دادند. برای تحلیل داده‌ها از روش تحلیل مسیر با نرم افزار لیزرل نسخه ۸/۸ استفاده شد. براساس یافته‌ها سرخوردگی زناشویی با کیفیت روابط ($r = -0.422$)، تحریف‌های شناختی ($r = 0.491$) و بخشش ($r = -0.363$) ($p < 0.01$) رابطه معناداری داشت. همچنین بخشش در رابطه بین کیفیت روابط و سرخوردگی زناشویی با اثر استاندارد (0.07) و ضریب مسیر (-0.34) و در رابطه بین تحریف‌های شناختی و سرخوردگی زناشویی با اثر استاندارد (0.06) و ضریب مسیر (0.29) اثر غیرمستقیم معنادار داشت ($p < 0.01$). می‌توان نتیجه گرفت که مدل پژوهش از برآزش مطلوب برخوردار است. از این رو، باید به متغیرهای کیفیت روابط و تحریف‌های شناختی و بخشش توجه و اهمیت ویژه‌ای شود؛ زیرا با شناخت این عوامل می‌توان گام مهمی در جهت کاهش روابط خانوادگی آشفته برداشته شود.

واژه‌های کلیدی: سرخوردگی زناشویی، کیفیت روابط، تحریف‌های شناختی، بخشش، روابط خانوادگی آشفته.

دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۶/۲۶ تصویب نهایی: ۱۴۰۴/۱۱/۱۲

۱. گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۲. گروه روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)

۳. گروه روان‌شناسی تربیتی، واحد تبریز، دانشگاه آزاد اسلامی، تبریز، ایران.

۴. گروه روان‌شناسی تربیتی، واحد اردبیل، دانشگاه آزاد اسلامی، اردبیل، ایران.

● مقدمه

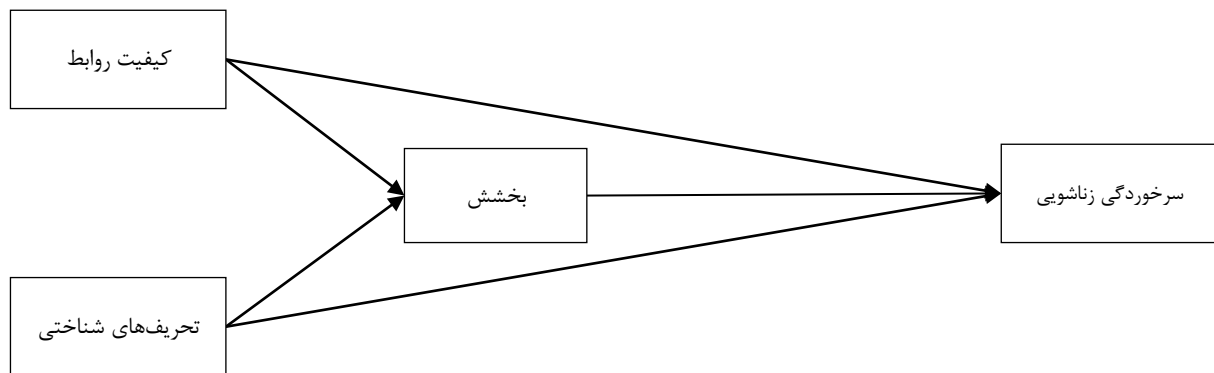
ازدواج به‌عنوان عالی‌ترین رسم اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی افراد همواره مورد تأیید بوده و از مهمترین شاخص‌های تحرک اجتماعی در هر جامعه است (جعفرزاده‌دشابلاغ و همکاران، ۱۴۰۲). با این وجود، این پیوند همواره موجب افزایش شادی و خشنودی نبوده و با مشکلاتی همراه است. به‌طوری‌که در دهه‌های جدید به شدت شاهد افزایش مشکلات زناشویی هستیم (دیلون و همکاران، ۲۰۲۲؛ جوشیا و هتیه، ۲۰۲۲). هنگامی که زندگی زناشویی آن‌گونه که افراد توقع دارند، پیش نمی‌رود، اکثر زوج‌ها به حالتی از ناباوری می‌رسند. لذا پس از شروع یک ازدواج پر از عشق، امید و توجه، بیگانگی و اختلاف شروع می‌شود (دلشاد و همکاران، ۲۰۲۳). در واقع بسیاری از روابط زناشویی امروزه، رو به آشفتگی دارد؛ به‌طوری‌که در این راستا شواهد پژوهشی حاکی از نرخ شیوع ۱۵ تا ۲۰ درصدی آشفتگی روابط زوجی در جوامع مختلف است (اسماعیلی و همکاران، ۲۰۲۰). ویرایش پنجم راهنمای تشخیصی و آماری اختلال‌های روانی، آشفتگی رابطه زوجی را تحت عنوان اختلال کارکرد در حوزه‌های رفتاری (مانند دشواری در حل تعارض)، شناختی (مانند انتساب مژمن اسنادهای منفی به همسر) و هیجانی (مانند بی‌تفاوتی و یا خشم نسبت به شریک) تعریف می‌کند (رضاعی و همکاران، ۱۴۰۰). وجود آشفتگی خانوادگی همواره تهدیدی برای کاهش رضایت زناشویی است و می‌تواند منجر به سرخوردگی زناشویی (marital disaffection) شود. سرخوردگی به معنای جایگزین شدن عواطف خنثی به‌جای عواطف مثبت است (کیم و کناو، ۲۰۲۲). فرض می‌شود زمانی سرخوردگی اتفاق می‌افتد، که مجموعه‌ای احساسات و عواطف مثبت در شروع رابطه وجود داشته است؛ زوجین سرخورده احساس عشق و علاقه نسبت به همدیگر داشته‌اند، اما این احساس مدت‌ها است که مرده است. مفهوم سرخوردگی به‌طور خاص به حالت عاطفی ازدواج (احساس علاقه، توجه و عاطفه نسبت به همسر) اشاره می‌کند، نه به رفتارهای واقعی همسر (نجایتیان و همکاران، ۲۰۲۱). زوجین ممکن است در میزان سرخوردگی زناشویی شان متفاوت از یکدیگر باشند. در بعضی موارد دوطرف سرخوردگی را تجربه می‌کنند، درحالی‌که در موارد دیگر سرخوردگی تنها در مورد یک فرد است، درحالی‌که طرف مقابل علاقه‌مند به اوست. در یک ازدواج سرخورده احساسات منفی مانند آسیب و خشم رو به افزایش است تا این‌که به یک حالت سردی منجر می‌شود (بهمنی و همکاران، ۱۳۹۶). براساس نتایج مطالعاتی سرخوردگی زناشویی تحت تأثیر عوامل مختلفی همچون تعادل هیجانی، شبکه مجازی (آصفی‌فر و همکاران، ۲۰۲۲؛ حسینی‌قیداری و همکاران، ۲۰۲۲)، طرزحواهای ناسازگار اولیه، بهزیستی ذهنی (معصوم‌زاده و همکاران، ۱۴۰۲) می‌تواند تغییر کند، در این میان کیفیت روابط زناشویی (کرنر و اسکوتز، ۲۰۲۱) و تحریف‌های شناختی گزر و اوزکامالی (۲۰۲۳) نیز متغیرهای تأثیرگذار در سرخوردگی زناشویی هستند که می‌توانند باعث افزایش میزان سرخوردگی زناشویی در بین زوجین شوند.

یکی از مدل‌های روان‌شناختی که اخیراً در تبیین مشکلات خانوادگی مطرح شده و به‌واسطه مبنای نظری و پشتوانه تجربی قوی آن مورد توجه قرار گرفته، مدل شناختی است. مطابق با این مدل، افکار غیرمنطقی و تحریف‌های شناختی (distortions cognitive) عوامل مهم در ایجاد و تداوم رفتارهای پاتولوژیک مانند مشکلات شخصیتی، مشکلات ارتباطی و سایر هستند (غائبی‌پناه و کشاورزی، ۱۳۹۹). تحریف‌های شناختی زمانی ظاهر می‌شود که پردازش اطلاعات غلط یا غیر مؤثر است. به‌عبارتی دیگر گاهی تجزیه و تحلیل اطلاعات در ذهن افراد تحریف می‌شود. این نوع تحریف‌ها که خطاها و تحریف‌های شناختی نامیده می‌شوند، به اشکال گوناگونی ظاهر می‌گردند. این تحریف‌ها اگر متناوب و به دفعات رخ دهند، می‌توانند منجر به مشکلات روان‌شناختی و ناراحتی‌های بین فردی شود (هوگان و همکاران، ۲۰۲۳). در این راستا نتایج مطالعات صورت گرفته حاکی از نقش تحریف‌های شناختی بر روابط زناشویی است. چنانچه تحقیق عبدالپور و همکاران (۱۴۰۲) نشان‌دهنده همبستگی منفی و معنادار بین تحریف‌های شناختی و رضایت زناشویی است. مهربویا و همکاران (۲۰۲۲) نیز در نتایج مطالعه خود به ارتباط منفی بین تحریف‌های شناختی و الگوهای ارتباطی در زوجین اشاره کرده‌اند. در این میان تقویت بخشش در بین زوجین می‌تواند از عوارض و پیامدهای تأثیر تحریف‌های شناختی بر سرخوردگی زناشویی به‌طور چشمگیری بکاهد، چرا که بخشش زوجین در گام نخست باعث می‌شود تا افکاری که نگرش فرد به خود، زندگی، موقعیت‌های خاص، روابط و سایر افراد را منفی کنند، تلطیف شود و تأثیر این افکار بر احساس و رفتار زوجین تقویت شود (شیمشک و همکاران،

۲۰۲۱). از سوی دیگر توسعه شاخص‌های بخشش باعث می‌شود تا الگوهای ذهنی و شناختی منفی که باعث می‌شود تا فرد دچار دلزدگی و سرخوردگی در روابط شود کاهش یابد (بایسن و اسمیت، ۲۰۲۲).

کاسپ-برگس و همکاران (۲۰۲۳) با استناد به عوامل مؤثر بر زندگی زناشویی، معتقدند فقدان عشق و روابط صمیمانه اگرچه موجب زوال خانواده نمی‌شود، اما برای سعادت خانوادگی امری ضروری است. از این رو است که همزیستی و روابط بدون مهر و محبت زوجین، به دشواری‌ها، اختلال در ارتباطات و در نهایت تزلزل در بنای خانه می‌انجامد. لذا نحوه و کیفیت روابط (quality of the relationship) زوجین امری مهم است. بسیاری از روان‌شناسان و خانواده‌درمانگران کیفیت روابط بین زوجین را مهمترین عامل در رضایت و کیفیت زناشویی می‌دانند (کاوه فارسانی و همکاران، ۱۴۰۲). کیفیت روابط عبارت است از یک سازه سطح بالا و متشکل از چندین بعد متمایز، ولی به هم مرتبط است. کیفیت روابط معمولاً اعتماد، رضایت‌مندی و تعهد را شامل می‌شود. کیفیت روابط از این رو بسیار اهمیت دارد که می‌تواند بر سلامت جسمی و روان‌شناختی اثرگذار باشد (فروزانی و همکاران، ۲۰۲۴). در این خصوص گیرما شیفاو (۲۰۲۳) در مطالعه خود دریافت که کیفیت روابط زناشویی، رابطه بین حل تعارض زناشویی و رضایت زناشویی را تعدیل می‌کند. همچنین مطالعه کروک (۲۰۱۷) نشان داد که روابط زناشویی با صمیمیت و بهزیستی روان‌شناختی زوجین رابطه مثبت و معنادار دارد. به‌علاوه، روابط بین‌فردی در معرض آسیب‌ها و تهدیدهای متعددی است. برخی از زوج‌ها ممکن است به این گونه آسیب‌ها و تهدیدها از طریق انتقام و اجتناب از خود واکنش نشان دهند که تأثیر نامطلوبی بر روابط آنها خواهد گذاشت. به‌عنوان مثال، احساس انتقام می‌تواند منجر به انتقام متقابل شود، در نتیجه یک چرخه معیوب از انتقام و انتقام متقابل ایجاد می‌کند که روابط بین‌فردی از جمله روابط زناشویی را تهدید می‌کند (علیپور و همکاران، ۲۰۲۰). یکی از راه‌های مقابله با این گونه آسیب‌ها و پیامدهای منفی آن، بخشش است که مستلزم رفع خشم و خصومت مکرر، بی‌میلی به انتقام‌جویی و تقویت حس ترحم، شفقت، همدردی و همدلی است (بهرنگ و همکاران، ۲۰۲۲). ورثینگتون و ساندریچ (۲۰۱۵) بخشش را به‌عنوان تغییر مثبت در نیت فرد نسبت به متخلف و جایگزینی احساسات منفی با احساسات مثبت تعریف کرد. این فرآیند ممکن است شامل حذف انتقام و اجتنابی باشد که در یک رابطه نزدیک توهین‌آمیز رخ می‌دهد و همچنین برای بازگرداندن نزدیکی و تعهد رابطه‌ای اتفاق بیفتد. بخشش یک استراتژی برای جلوگیری یا کنترل احساسات منفی مانند خشم و عصبانیت در طول چنین مشکلاتی است که به‌طور بالقوه می‌تواند روابط را مختل کند (ورثینگتون و ساندریچ، ۲۰۱۵).

هنگامی که مشکلاتی در ازدواج رخ می‌دهد، بخشش (forgiveness) می‌تواند مکانیسم مهمی برای بازگرداندن تعادل و ثبات باشد. بخشش می‌تواند مزایای مهمی برای سلامتی و بهزیستی افراد و همچنین کیفیت روابط داشته باشد (خرم‌آبادی و طهماسبی، ۱۴۰۳). بخشش اساس یک ازدواج موفق و عنصر مهمی در روند بهبود روابط پس از هر مشکل یا آسیب است و می‌تواند به‌طور مؤثر روابط زناشویی را تقویت کند و بر سلامت همسران تأثیر مثبت بگذارد. در واقع رفتارهای بخشودگی می‌تواند با ایجاد تغییرات مثبت در پویایی‌های روابط زناشویی، امکان رشد روابط در زندگی زناشویی را فراهم کند (صفری و همکاران، ۲۰۲۳؛ ولی‌شیخ‌زاده، ۲۰۲۴). نتایج مطالعات چندی بر نقش بخشش در کاهش تعارضات زناشویی و افزایش روابط زناشویی اشاره کرده‌اند (زارعی و همکاران، ۲۰۲۰؛ ساهان، ۲۰۲۱؛ دیلو و دنیز، ۲۰۲۲). با توجه به روزافزونی مشکلات زناشویی و به تبع آن افزایش سرخوردگی زناشویی که کاهش عشق و علاقه و افزایش تعارضات زوجین را به دنبال دارد، بررسی و شناسایی عوامل مؤثر بر این متغیر بسیار مهم و دارای اهمیت است. همچنین با شناسایی عوامل مؤثر علاوه بر ارائه راهکارهای به‌منظور کاهش سرخوردگی زناشویی، می‌توان از تبعات منفی آن مانند طلاق، پیشگیری کرد. افزون‌بر این، مطالعات اندکی در خصوص نقش میانجی متغیر بخشش با سرخوردگی زناشویی و کیفیت روابط و تحریف‌های شناختی، صورت گرفته و خلا پژوهشی در این راستا مشهود است. لذا انجام این پژوهش می‌تواند زمینه‌ای برای روان‌شناسان و روان‌درمانگران در خصوص کار روی متغیر بخشش در بین زوجین دارای سرخوردگی زناشویی و روابط خانوادگی آشفته فراهم نماید. نظر به آنچه بیان شد، پژوهش حاضر به شناخت پیش‌بینی سرخوردگی زناشویی براساس کیفیت روابط و تحریف‌های شناختی با میانجی‌گری بخشش در زنان دارای روابط خانوادگی آشفته می‌پردازد که برای بررسی آن، مدل پیشنهادی اولیه به صورت مندرج در شکل ۱ ترسیم شد:



شکل ۱. مدل پیشنهادی

• روش

روش پژوهش حاضر توصیفی-همبستگی از نوع تحلیل مسیر بود. جامعه آماری شامل کلیه زنان دارای روابط خانوادگی آشفته مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و روان‌درمانی مناطق ۱۴ و ۱۵ شهر تهران در نیمه اول سال ۱۴۰۳ بود. تعیین حجم نمونه براساس ملاک کلاین (۲۰۱۹) انجام شد که برای تحلیل مسیر، تعداد نمونه را ۲/۵ تا ۵ برابر تعداد متغیرهای مشاهده‌پذیر پیشنهاد می‌کند. با توجه به ۴۹ ماده پرسشنامه‌ها و در نظر گرفتن نسبت ۳/۵، حجم نمونه ۱۷۵ نفر تعیین شد که پس از حذف ۳ پرسشنامه ناقص، داده‌های ۱۷۲ نفر مورد تحلیل قرار گرفت. نمونه‌گیری به صورت هدف‌مند و با همکاری مشاوران و روان‌درمانگران مراکز انجام شد. ملاک‌های ورود شامل حداقل دو سال ازدواج، حداقل سواد ابتدایی، مراجعه به مراکز به دلیل مشکلات خانوادگی و رضایت آگاهانه برای شرکت در پژوهش بود. ملاک‌های خروج شامل وجود اختلال‌های روان‌شناختی حاد یا بیماری‌های جسمانی صعب‌العلاج، براساس خوداظهاری یا نظر درمانگر، در نظر گرفته شد.

ملاحظات اخلاقی شامل محرمانه‌بودن اطلاعات، اختیار شرکت‌کنندگان در انصراف از پژوهش و ارائه توضیحات لازم درباره اهداف مطالعه رعایت گردید. پس از تکمیل پرسشنامه‌ها، داده‌ها با استفاده از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل مسیر در نرم‌افزارهای SPSS نسخه ۲۲ و LISREL نسخه ۸/۸ تحلیل شد.

• ابزارها

الف) **مقیاس سرخوردگی زناشویی (marital disillusionment scale-MDC)**: این مقیاس توسط نیهویس و بارتل (۲۰۰۶) به منظور بررسی میزان سرخوردگی زناشویی زوجین طراحی شده است. این مقیاس دارای ۱۶ ماده بوده که در یک طیف لیکرت ۷ درجه‌ای (کاملاً مخالف=۱، تا حدودی مخالف=۲، مخالف=۳، نه موافق و نه مخالف=۴، موافق=۵، تا حدی موافق=۶، کاملاً موافق=۷) نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمره بین ۱۶ تا ۱۱۲ است. هرچه نمره بالاتر باشد، نشان‌دهنده سرخوردگی زناشویی بالا است (نیهویس و بارتل، ۲۰۰۶). در پژوهش نیهویس و بارتل (۲۰۰۶) مقیاس مورد نظر همسانی درونی بالایی نشان داد. مقدار اعتبار این مقیاس توسط آنها با استفاده از آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۶ به دست آمد. همچنین روایی سازه‌ای (۰/۷۳۴) این مقیاس مورد تأیید بود (نیهویس و بارتل، ۲۰۰۶). این مقیاس در ایران توسط سیدعلی‌تبار و همکاران (۱۳۹۴) مورد هنجاریابی قرار گرفت. براساس نتایج ساختار عاملی سرخوردگی زناشویی با استفاده از تحلیل عاملی تأییدی، مورد تأیید قرار گرفت. ضریب آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و ضریب بازآزمایی آن بعد از ۳ هفته ۰/۸۵ به دست آمد. بررسی ضرایب همبستگی نشان داد که مقیاس سرخوردگی زناشویی با مقیاس نگرش به روابط فرازناشویی ($P < 0/01$) و خرده‌مقیاس‌های اجتناب یا رنجش ($P < 0/01$)، دل‌بستگی اجتنابی ($P < 0/01$) و دوسوگرا ($P < 0/01$) همبستگی مثبت معناداری داشت که بیانگر روایی همگرا و همبستگی منفی معنادار با مقیاس رضایت زناشویی کانزاس ($P < 0/01$) و خرده‌مقیاس بخشندگی ($P < 0/01$) داشت که نشان‌دهنده روایی واگرایی آن بود (سیدعلی‌تبار و همکاران، ۱۳۹۴). در این پژوهش آلفای کرونباخ این مقیاس ۰/۷۶ به دست آمد.

ب) مقیاس کیفیت روابط (relationship quality scale-RQ): یکی از بهترین ابزارهایی که برای سنجش کیفیت روابط بین زوجین ساخته شده است، مقیاس کیفیت روابط است. این مقیاس توسط چاندی و همکاران (۲۰۱۸) طراحی شده است. این ابزار در ابتدا ۱۵ ماده داشت که بعد از تحلیل عاملی اکتشافی، مقیاس نهایی دارای ۹ و یک عاملی بود که در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۵) نمره گذاری می‌شود. نمره‌گذاری ماده شماره ۳ معکوس است. دامنه نمرات این پرسشنامه بین ۹ تا ۴۵ قرار دارد. هرچه نمره دریافتی بالاتر باشد، نشان‌دهنده این است که کیفیت رابطه زوجین بهتر است. روایی محتوایی (۰/۷۴) این مقیاس در مطالعه چاندی و همکاران (۲۰۱۸) مورد تأیید بوده است. همچنین چاندی و همکاران (۲۰۱۸) اعتبار آن را به روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۹ گزارش کردند. در ایران این مقیاس توسط تقی‌زاده فیروزجایی و همکاران (۱۳۹۶) مورد روان‌سنجی قرار گرفت. در پژوهش آنان اعتبار کمی و کیفی محتوا و اعتبار صوری همه سؤالات مورد تأیید قرار گرفتند. مقادیر CVI و CVR کل ابزار به ترتیب ۰/۹۴ و ۰/۹۲ به دست آمد. تحلیل عاملی تأییدی نشان داد ابزار از ساختار تک عاملی همچون نسخه اصلی برخوردار است. همچنین ارزیابی پایایی ابزار نشان داد همسانی درونی با روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۰ و ثبات ابزار به روش همبستگی درون طبقه ۰/۹۲ بود که حاکی از بالا بودن همسانی درونی و ثبات ابزار بود. در پژوهش حاضر اعتبار این مقیاس به روش آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۰ به دست آمد.

ب) مقیاس تحریف‌های شناختی بین فردی (interpersonal cognitive distortions scale-Icds): این مقیاس توسط حمام سی و بویوک اوزتورک (۲۰۰۴) جهت ارزیابی تحریف‌های شناختی در روابط بین فردی بر مبنای نظریه شناختی آرون تی بک ساخته شده است. مقیاس دارای ۱۹ ماده است که در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۵) نمره‌گذاری می‌شود. دامنه نمرات این مقیاس بین ۱۹ تا ۹۵ قرار دارد. نمرات بالا نشانگر تحریف‌های شناختی بیشتر است. اعتبار این مقیاس از طریق همسانی درونی با آلفای کرونباخ و همچنین از طریق آزمون مجدد پس از دو هفته برای کل مقیاس به ترتیب ۰/۶۷ و ۰/۷۴ به دست آمد (حمام سی و بویوک اوزتورک، ۲۰۰۴). روایی همگرایی آن از طریق همبستگی با مقیاس باورهای غیرمنطقی، مقیاس افکار اتوماتیک و مقیاس گرایش به تعارض در روابط بین فردی به ترتیب ۰/۴۵، ۰/۵۳ و ۰/۵۳ به دست آمده که همگی در سطح ۰/۹۹ اطمینان معنادار گزارش شده است (حمام سی و بویوک اوزتورک، ۲۰۰۴). همچنین در ایران اسماعیل‌پور و همکاران (۱۳۹۳) جهت سنجش روایی سازه مقیاس، علاوه بر روایی عاملی، همبستگی خرده مقیاس‌ها با کل مقیاس محاسبه کردند که این همبستگی بین ۰/۷۱ تا ۰/۸۱ به دست آمد که از نظر روان‌سنجی مطلوب بود. همچنین همبستگی بین عامل‌ها هم بین ۰/۳۳ تا ۰/۵۰ بود. به علاوه اعتبار آن را از طریق ضریب آلفای کرونباخ برابر ۰/۶۷ گزارش کردند. در مطالعه حاضر ضریب آلفای کرونباخ کل مقیاس برابر ۰/۶۹ به دست آمد.

ج) پرسشنامه بخشش زناشویی (marital forgiveness questionnaire -MFQ): این پرسشنامه توسط ری و همکاران (۲۰۰۱) ساخته شده که دارای ۱۵ ماده است. این پرسشنامه در یک طیف لیکرت ۵ درجه‌ای از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۵) نمره‌گذاری می‌شود. نمرات بالا نشانه بخشش و نمرات پایین نشانه نبود بخشش است. دامنه نمرات این پرسشنامه بین ۱۵ تا ۷۵ قرار دارد. ری و همکاران (۲۰۰۱) آلفای کرونباخ پرسشنامه را ۰/۸۷ گزارش کردند. همچنین روایی همگرایی پرسشنامه بخشش، نمره‌های حاصل از این پرسشنامه را با پرسشنامه بخشش اینریت در میان ۳۲۸ نفر از دانشجویان دختر و پسر بررسی کرده و همبستگی ۰/۵۲ تا ۰/۵۷ گزارش کردند (ری و همکاران، ۲۰۰۱). در ایران نیز زندگی‌پور و همکاران (۱۳۹۰) آلفای کرونباخ این آزمون روی ۲۰۰ نفر از دانشجویان زن متأهل برابر ۰/۹۶ و روایی این مقیاس را نیز از طریق همبستگی با سیاهه پنج عاملی نئو به ترتیب با روان‌رنجورخوبی ۰/۴۵، با سازگاری ۰/۵۲، با برون‌گرایی ۰/۳۳، با توافق ۰/۴۲ و با گشودگی ۰/۳۵ گزارش کردند (زندگی‌پور و همکاران، ۱۳۹۰). همچنین در مطالعه حاضر ضریب آلفای کرونباخ برای این مقیاس ۰/۷۳ به دست آمد.

• یافته‌ها

بر اساس یافته‌ها میانگین و انحراف معیار سنی و مدت ازدواج به ترتیب برابر $38/05 \pm 4/17$ ؛ $8/27 \pm 2/01$ بود. همچنین کمترین فراوانی دارای تحصیلات زیردیپلم (۱۷/۳۳ درصد) و بیشترین فراوانی دارای تحصیلات کارشناسی (۳۵/۳۳ درصد) بودند. به علاوه در

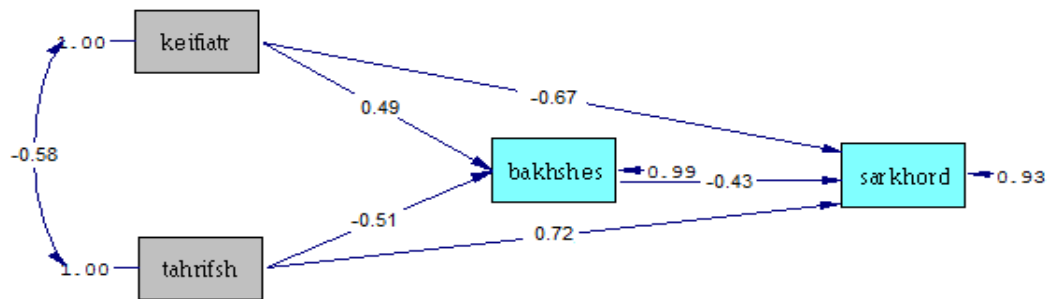
بین افراد مورد مطالعه کمترین فراوانی بدون فرزند (۱۴/۶۷ درصد) و بیشترین فراوانی دارای یک فرزند (۵۵/۳۴ درصد) بودند. در ادامه ماتریس همبستگی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای مورد پژوهش و آزمون توزیع نرمال بودن داده‌ها ارائه شده است (جدول ۱).

جدول ۱. ماتریس همبستگی، میانگین و انحراف معیار متغیرهای پژوهش و نتایج آزمون توزیع نرمال بودن داده‌ها

متغیر	۱	۲	۳	۴	میانگین	انحراف استاندارد	آزمون نرمال بودن	
							P	K-S
۱. سرخوردگی زناشویی	۱				۶۰/۲۴	۵/۱۷	۰/۲۸	۱/۱۰
۲. کیفیت روابط	-۰/۴۲**	۱			۳۲/۱۹	۳/۹۵	۰/۲۶	۱/۱۲
۳. تحریف‌های شناختی	۰/۴۹**	-۰/۳۷**	۱		۶۲/۰۵	۶/۴۱	۰/۱۳	۱/۸۹
۴. بخشش	-۰/۳۶**	۰/۴۰**	-۰/۴۳**	۱	۴۹/۳۶	۵/۱۸	۰/۳۶	۰/۹۷

** معناداری آزمون در سطح معناداری ۰/۰۱

همان‌طور که جدول (۱) نشان می‌دهد بین سرخوردگی زناشویی با کیفیت روابط ($r=-0/422$)، تحریف‌های شناختی ($r=0/491$) و بخشش ($r=-0/363$) رابطه معناداری وجود دارد ($p<0/01$). همچنین نتایج آزمون نرمال بودن کولموگروف-اسمیرنوف در جدول فوق نشان می‌دهد که توزیع نمرات متغیرهای مورد مطالعه نرمال است ($p>0/05$). در ادامه مدل مفهومی پژوهش ارائه شده است (شکل ۲).



Chi-Square=5.10, df=2, P-value=0.02000, RMSEA=0.010

شکل ۲. مدل مفهومی نهایی پژوهش به همراه ضرایب مسیر استاندارد شده

با توجه به نتایج شکل ۲ مدل پیشنهادی کیفیت روابط و تحریف‌های شناختی با میانجی‌گری بخشش، در مجموع ۴۳ درصد از واریانس سرخوردگی زناشویی زنان دارای روابط خانوادگی آشفته را پیش‌بینی می‌کند. در ادامه ضرایب مسیرهای مستقیم در جدول ۲ ارائه شده است.

جدول ۲. ضرایب اثرات مستقیم متغیرهای مدل معادلات ساختاری

مسیرها	ضریب مسیر	خطا استاندارد	مقدار t	حد پایین	حد بالا	مقدار P
کیفیت روابط ← سرخوردگی زناشویی	-۰/۶۷	۰/۰۷	-۳/۵۴	-۰/۱۸	-۰/۷۳	۰/۰۱
تحریف‌های شناختی ← سرخوردگی زناشویی	۰/۶۲	۰/۰۶	۳/۸۷	۰/۱۴	۰/۷۱	۰/۰۱
کیفیت روابط ← تحریف‌های شناختی	-۰/۵۸	۰/۰۳	-۲/۹۹	-۰/۰۹	-۰/۶۶	۰/۰۱
بخشش ← سرخوردگی زناشویی	-۰/۴۳	۰/۰۵	-۲/۴۶	-۰/۱۱	-۰/۵۹	۰/۰۱

براساس نتایج کیفیت روابط در سرخوردگی زناشویی ($\beta=-0/67, p<0/01$)، تحریف‌های شناختی در سرخوردگی زناشویی ($\beta=0/62, p<0/01$)، کیفیت روابط در تحریف‌های شناختی ($\beta=-0/58, p<0/01$) و بخشش در سرخوردگی زناشویی ($\beta=-0/43, p<0/01$) رابطه معناداری دارد.

جدول ۳. ضرایب اثرات مستقیم متغیرهای مدل معادلات ساختاری

مسیرها	ضریب مسیر	خطا استاندارد	مقدار t	حد پایین	حد بالا	مقدار P
کیفیت روابط ← بخشش ← سرخوردگی زناشویی	-۰/۳۴	۰/۰۷	-۳/۵۴	-۰/۲۸	-۰/۶۱	۰/۰۱
تحریف‌های شناختی ← بخشش ← سرخوردگی زناشویی	۰/۲۹	۰/۰۶	۳/۲۷	۰/۲۱	۰/۵۴	۰/۰۱

نتایج به‌دست آمده از آزمون بوت استراپ در جدول ۳ نشان داد که متغیر بخشش در رابطه بین کیفیت روابط و سرخوردگی زناشویی با اثر استاندارد (۰/۰۷-) و ضریب مسیر (۰/۳۴-) و در رابطه بین تحریف‌های شناختی و سرخوردگی زناشویی در زنان دارای روابط خانوادگی آشفته با اثر استاندارد (۰/۰۶) و ضریب مسیر (۰/۲۹) اثر غیرمستقیم معنادار دارد ($p < 0/01$).

جدول ۴. گزیده‌ای از شاخص‌های برازش مهم مدل ترسیمی اصلی پژوهش

شاخص‌های برازش	df	GFI	NFI	CFI	AGFI	IFI	NIF	RMSEA
دامنه پذیرش	۳ <	۰/۹ >	۰/۹ >	۰/۹ >	۰/۹ >	۰/۹ >	۰/۹ >	> ۰/۰۹
مقدار به‌دست آمده در پژوهش حاضر	۵/۱۰	۰/۹۹	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۹۴	۰/۹۸	۰/۹۹	۰/۰۱

نتایج جدول ۴ نشان داد، شاخص‌های برازندگی حاصل از مدل‌یابی معادلات ساختاری مدل مفهومی پژوهش از برازش مطلوب مدل پژوهشی با داده‌های گردآوری شده حمایت می‌کنند ($df/2=5/10$ ، $CFI=0/99$ ، $GFI=0/99$ ، $AGFI=0/94$ ، $IFI=0/98$ ، $NIF=0/99$ ، $RMSEA=0/01$). بر این اساس می‌توان گفت که مدل پیشنهادی از برازش مطلوب برخوردار است.

• بحث

هدف از انجام این پژوهش پیش‌بینی سرخوردگی زناشویی براساس کیفیت روابط و تحریف‌های شناختی با میانجی‌گری بخشش در زنان دارای روابط خانوادگی آشفته بود. نتایج نشان داد بین کیفیت روابط و سرخوردگی زناشویی رابطه منفی معنادار وجود دارد. نتایج به دست آمده با یافته‌های کروک (۲۰۱۷) و گیرما شیفاو (۲۰۲۳) مبنی بر ارتباط منفی بین کیفیت روابط زناشویی با تعارض زناشویی و رابطه مثبت بین کیفیت روابط با صمیمیت و بهزیستی روان‌شناختی زوجین هم‌خوانی داشت. قابل بیان است که سرخوردگی پیامد کاهش رضایت و خرسندی زناشویی است که در طول زندگی زناشویی اتفاق می‌افتد و به مرور میزان تعهد فرد در رابطه زناشویی کاهش می‌یابد (هوستون و همکاران، ۲۰۱۵). در این راستا طبق نظریه مبادله اجتماعی (social exchange theory)، در روابط بین‌فردی، هر فرد می‌کوشد سود خود را به حداکثر و هزینه‌هایش را به حداقل برساند، در نتیجه تنها زمانی رابطه میان افراد پابرجا می‌ماند که در یک رابطه هزینه و سود برای افراد در سطح متعالی است (صدیقی‌ارفعی و همکاران، ۱۴۰۳). براساس نظریه مبادله اجتماعی نبود برابری هزینه و پاداش برای زوجین نابرابری در مبادله (زناشویی) را به همراه دارد و در نهایت منجر به کاهش کیفیت روابط و حتی گسست روابط متقابل زوجین می‌گردد.

بخش دیگر نتایج نشان داد که بین تحریف‌های شناختی و سرخوردگی زناشویی رابطه مثبت و معنادار وجود دارد. نتایج به‌دست آمده با یافته‌های پژوهش مهرپویا و همکاران (۲۰۲۲)، باهرطالاری و همکاران (۱۴۰۳) و عبدالپور و همکاران (۱۴۰۲) مبنی بر رابطه معنادار بین تحریف‌های شناختی با الگوهای ارتباطی و سرخوردگی زناشویی در زوجین همسویی داشت. در تبیین این یافته براساس دیدگاه عقلانی-عاطفی-رفتاری الیس (۲۰۰۱)، قابل بیان است که دلیل روابط خانوادگی آشفته توقعات غیرواقع‌بینانه‌ای است که زن و شوهر نه صرفاً در مورد خود یا دیگران بلکه درباره خود مسئولیت‌پذیری دارند و مشکلات ارتباط فعلی افراد را بازتاب مسائل خانواده اصلی آنها می‌داند. به اعتقاد الیس (۲۰۰۱) افراد نمی‌توانند همسران‌شان را واضح و شفاف ببینند (درک کنند) و تصاویری را بر او فراقنی (ایجاد تحریف‌های شناختی) می‌کنند. بنابراین، تعامل بین این فراقنی‌های متقابل موجب مشکلات زوج‌ها می‌شود. زیرا زن و شوهر در مورد مسائل واقعی خود بحث نمی‌کنند، بلکه در مورد فراقنی‌ها و تصاویر ذهنی مرتبط با روابط قبلی به بحث می‌پردازند. تحریف شناختی باعث می‌شود تا الگوهای ذهنی و شناختی و بخصوص باورهای غیر منطقی که ناخودآگاه در طول زمان شکل می‌گیرند، رفتارها و دیدگاه زوجین را تحت تأثیر قرار دهند و هرگونه ناراضی‌تی از شرایط زندگی و بخصوص نبود رضایت از روابط زناشویی را ناشی از خطای همسر تلقی کنند. در همین زمینه برای تبیین بهتر این مسأله باید گفت که از دید سیستمی، اکثر زوج‌ها به این دلیل دچار تعارض می‌شوند که هرکدام سعی می‌کند مسئولیت اعمال خود و یا اتفاقات رخ داده در روابط زناشویی را به کس دیگری واگذار کند که این مسأله ریشه در تحریف شناختی دارد (قاسمی‌مقدم و همکاران، ۱۴۰۲). تحریف‌های شناختی، وقتی به شکل افکار غیرمنطقی و منفی به ذهن یکی از زوجین یا هردوی آنها هجوم می‌آورد، فرد را متقاعد می‌کند تا درباره خود، همسر خود و دنیای اطراف خود باورهای منفی و اغلب نادرست داشته باشد. این افکار مغرضانه که براساس واقعیت نیستند، در صورت تداوم باعث می‌شود تا در مورد

علت اصلی تعارض و ناراضی‌تی زوجین، برداشت یکسانی وجود نداشته باشد و ادامه این شرایط باعث کاهش صمیمیت زناشویی و در نهایت سرخوردگی زناشویی می‌شود.

یافته‌های دیگر پژوهش نشان داد که متغیر بخشش رابطه بین کیفیت روابط و تحریف‌های شناختی با سرخوردگی زناشویی در زنان دارای روابط خانوادگی آشفته را به‌طور معناداری میانجی‌گری می‌کند. به بیانی دیگر بخشش در رابطه بین کیفیت روابط و تحریف‌های شناختی با سرخوردگی زناشویی اثر غیرمستقیم معنادار دارد. با توجه به اینکه تاکنون مطالعه‌ای با این متغیرها صورت نگرفته است، امکان مقایسه نتایج به‌دست آمده مقدور نگردد. با این وجود مطالعه باهرطالاری و همکاران (۱۴۰۳) نشان داد که بین تحریف‌های شناختی، بخشودگی و راهبردهای تنظیم هیجان با سرخوردگی زناشویی، همبستگی چندگانه وجود دارد و ۱۷ درصد از واریانس سرخوردگی زناشویی توسط این متغیرها به‌طور معناداری تبیین می‌شود. قابل بیان است که زوج‌هایی که تحریف‌های شناختی دارند ممکن است مشکلات درون رابطه زناشویی را بیش‌ازحد بزرگ جلوه دهند، انتظارات غیرواقع‌بینانه‌ای داشته باشند و برچسب‌های بد و منفی به خود، همسر و روابط زناشویی بزنند و همین امر زندگی زناشویی را با چالش و در نهایت با دلزدگی مواجه کند؛ اما زمانی که متغیر بخشش وارد این رابطه می‌شود، موجب می‌گردد تا زوج‌ها بتوانند استراتژی‌های برای جلوگیری یا کنترل احساسات منفی مانند خشم و عصبانیت در طول چنین مشکلاتی که به‌طور بالقوه می‌تواند روابط را مختل کند (ورثینگتون و ساندریچ، ۲۰۱۵)؛ اتخاذ کنند. در واقع هنگامی که مشکلاتی در ازدواج رخ می‌دهد، بخشش به‌عنوان مکانیسم مهمی برای بازگرداندن تعادل و ثبات عمل می‌کند (ولی‌شیخ‌زاده، ۲۰۲۴). چنانچه نتایج مطالعات نیز حاکی از این هستند که رفتارهای بخشودگی می‌تواند با ایجاد تغییرات مثبت در پویایی‌های روابط زناشویی، امکان رشد روابط در زندگی زناشویی را فراهم کند (دیلو و دنیز، ۲۰۲۲؛ صفری و همکاران، ۲۰۲۳). به‌علاوه ورود متغیر بخشش در روابط تحریف شده زوجین باعث می‌گردد تا آنان با حساسیت کمتری و آگاهی بیشتری به آشفته‌گی روابط خانوادگی خود بپردازند و این موضوع با افزایش کیفیت روابط عاطفی زن و شوهر، توجه آنها را نسبت به هم بالا برده در نتیجه باعث می‌شود آمیزش عاطفی آنها نیز بالا رود. چرا که بخش مهمی از روابط بین فردی به عواطف و هیجانات افراد و نحوه برخورد با آنها باز می‌گردد.

• نتیجه‌گیری

در این پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که مدل پژوهش از برازش مطلوب برخوردار است و نتایج پژوهش از مدل حاضر حمایت کردند. براساس نتایج پژوهش حاضر، کیفیت روابط و تحریف‌های شناختی با سرخوردگی زناشویی زنان دارای روابط خانوادگی آشفته رابطه معناداری دارند و همچنین بخشش رابطه بین کیفیت روابط و تحریف‌های شناختی با سرخوردگی زناشویی در زنان دارای روابط خانوادگی آشفته را واسطه‌گری می‌کند. به‌عبارت دیگر کاهش کیفیت روابط و افزایش تحریف‌های شناختی نقش تعیین‌کننده‌ای در سرخوردگی زناشویی زنان دارای روابط خانوادگی آشفته دارد و متغیر بخشش می‌تواند نقش واسطه‌ای (تعدیل‌کنندگی) در سرخوردگی زناشویی داشته باشد. روابط صمیمانه و دور از بدبینی می‌تواند سرخوردگی زناشویی را کنترل کند، با این وجود تحریف‌های شناختی و افکار منفی و غیرمنطقی زوجین نسبت به همدیگر می‌تواند سرخوردگی را افزایش دهد و در این میان توجه به بخشش می‌تواند کیفیت روابط را بهبود بخشیده و تحریف‌هایی شناختی که سرخوردگی را افزایش می‌دهد کنترل کند. از این رو، باید به این متغیرها توجه و اهمیت ویژه‌ای شود؛ زیرا با شناخت این عوامل می‌توان گام مهمی در جهت کاهش روابط خانوادگی آشفته برداشت.

مطالعه حاضر با محدودیت‌هایی روبه‌رو بود؛ از جمله تک‌جنسیتی بودن جامعه آماری (زنان)، بهره‌گیری از روش نمونه‌گیری دردسترس و محدود بودن جامعه آماری به زنان دارای روابط خانوادگی آشفته مراجعه‌کننده به مراکز مشاوره و روان‌درمانی سطح شهر تهران (مناطق ۱۵ و ۱۴)؛ که به سبب ویژگی‌های فرهنگی و اجتماعی می‌تواند تعمیم نتایج به‌دست آمده را محدود نماید. لذا انجام چنین پژوهشی در سایر شهرها و گروه مردان و نیز با بهره‌گیری از روش‌های نمونه‌گیری احتمالی (تصادفی) پیشنهاد می‌گردد.

• تعارض منافع

به اظهار نویسندگان در این پژوهش هیچگونه تعارض و منافعی وجود ندارد.

• تشکر و قدردانی

گروه پژوهش بر خود لازم می‌داند که از همکاری مسئولین مراکز مشاوره و روان‌درمانی سطح شهر تهران (مناطق ۱۵ و ۱۴) و همچنین از کلیه افراد شرکت‌کننده در پژوهش حاضر تشکر و قدردانی کند.

• منابع

- اسماعیل‌پور، خ.، بخشی‌پور رودسری، ع.، و محمدزاده‌گان، ر. (۱۳۹۳). تعیین ساختار عاملی، روایی و اعتبار مقیاس تحریف‌شناختی بین‌فردی در دانشجویان دانشگاه تبریز. *دوفصلنامه راهبردهای شناختی در یادگیری*، ۲(۳)، ۶۹-۸۸. https://asj.basu.ac.ir/article_1020.html
- انجمن روانپزشکی آمریکا. (۲۰۱۳). *راهنمای تشخیصی و آماری اختلالات روانی DSM-5*. ترجمه رضاعی، ف.، فخرایی، ع.، فرمند، آ.، و شاملو، ف. (۱۴۰۰). ویرایش پنجم، تهران: انتشارات ارجمند. <https://www.arjmandpub.com/Book/1180>
- باقری، ن.، و البهشتی، غ. (۱۳۹۹). بررسی نقش سرخوردگی زناشویی در نگرش به روابط فرازناشویی با نقش تعدیلی هوش هیجانی. *رویش روان‌شناسی*، ۹(۹)، ۱۴۶-۱۳۹. <http://frooyesh.ir/article-1-2207-fa.html>
- باهرطالاری، م.، میکائیلی، ن.، آقاجانی، س.، و حبیبی، ن. (۱۴۰۳). پیش‌بینی سرخوردگی زناشویی براساس تحریف‌شناختی، بخشودگی بین‌فردی و راهبردهای تنظیم هیجان‌ها در افراد متأهل. *پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، ۱۴(۵۳)، ۱-۱۶. <https://dor.10.22034/spr.2024.392643.1829>
- بخشی‌زنجیرانی، ن.، و علی‌مندگاری، م. (۱۳۹۶). ثبات خانوادگی و تداوم زندگی زناشویی: مطالعه‌ای کیفی در شهر شیراز. *مجله جمعیت‌شناسی ایران*، ۱۲(۲۴)، ۲۰۷-۲۴۴. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.1735000.1396.12.24.7.8.244-207>
- بهنمی، ن.، اعتمادی، ع.، احمدی، ا.، و فاتحی‌زاده، م. (۱۳۹۶). کشف عوامل مؤثر بر سرخوردگی زناشویی زوجین ایرانی: یک مطالعه کیفی. *تحقیقات علوم رفتاری*، ۱۵(۴)، ۴۷۳-۴۶۷. <http://rbs.mui.ac.ir/article-1-566-fa.html>
- تقی‌زاده، ا.، فیروزجانی، ز.، تقدسی، م.، و ترکی، ح. (۱۳۹۶). خصوصیات روان‌سنجی پرسشنامه کیفیت روابط بین‌زوجین. *مجله پایش*، ۱۷(۱)، ۸۵-۹۴. <http://payeshjournal.ir/article-1-67-fa.html>
- جعفرزاده‌دانش‌بلاغ، ح.، اخلاقی‌فرد، م.، تارمرادی، آ.، و معراجی، م. (۱۴۰۲). مقایسه اثربخشی معنویت‌درمانی و شناخت‌درمانی مبتنی بر ذهن‌آگاهی بر انسجام خانوادگی و سازگاری زناشویی زنان دارای روابط خانوادگی آشفته. *روان‌شناسی و دین*، ۱۶(۱)، ۱۱۷-۱۳۳. <https://ensani.ir/fa/article/540511>
- خرم‌آبادی، ی.، و طهماسبی، ح. (۱۴۰۳). بررسی قدرت پیش‌بینی‌کنندگی توافق‌پذیری، همدلی زناشویی و بخشش زناشویی بر رضایت زناشویی در زنان متأهل. *مجله روان‌شناسی*، ۲۸(۱)، ۱-۱۱. <http://www.iranapsy.ir/fa/Article/43355>
- زارعی، م.، نظری، ع.م.، و زهراکار، ک. (۱۳۹۹). بررسی رابطه بخشش و جهت‌گیری مذهبی با تعارض زناشویی. *پژوهش در دین و سلامت*، ۶(۲)، ۸۷-۹۹. <https://doi.org/10.22037/jrrh.v6i2.23602>
- زندپی‌پور، ط.، آزادی، ش.، و ناهیدپور، ف. (۱۳۹۰). بررسی رابطه ویژگی‌های شخصیتی، بخشش و سلامت‌روان در زوج‌های مراجعه‌کننده به مراکز بهداشت گچساران. *مجله زن و جامعه (جامعه‌شناسی زنان)*، ۲(۲)، ۱-۱۸. <https://www.journal/ViewPaper.aspx?id=188945.18>
- سیدعلی‌تبار، ه.، محمدعلی‌پور، ز.، حبیبی، ف.، سروستانی، ع.، و جوان‌بخت، ع. (۱۳۹۴). پایایی، روایی و ساختار عاملی مقیاس سرخوردگی زناشویی. *مجله پژوهنده*، ۲۰(۶)، ۳۴۲-۳۴۹. <http://pajoohande.sbmu.ac.ir/article-1-2100-fa.html>
- صدیقی‌ارفعی، ف.، اسکندری، ن.، و شیروانی، خ. (۱۴۰۳). نقش میانجی خودشفقت‌ورزی در رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با کیفیت زندگی و پریشانی روان‌شناختی. *رویش روان‌شناسی*، ۱۳(۲)، ۳۶-۲۵. <http://frooyesh.ir/article-1-5064-fa.html>
- عبدل‌پور، ق.، عزیزی، م.، لشکری، آ.، مطهری‌راد، م.، و طیبی، ا. (۱۴۰۱). ارتباط طرحواره‌های شناختی فعال‌شده در بافت جنسی و رضایت زناشویی: نقش واسطه‌ای عزت‌بدنی. *پژوهش‌های نوین روان‌شناختی*، ۱۷(۶۸)، ۱۸۹-۱۸۱. <https://doi.org/10.22034/jmpr.2023.15327>
- غائبی‌پناه، م.، و کشاورزی، ف. (۱۳۹۹). رابطه سبک‌های عشق‌ورزی و تحریف‌های شناختی با طلاق عاطفی در زنان. *روان‌شناسی خانواده*، ۷(۲)، ۶۰-۴۷. <https://doi.org/10.22034/jfjp.2021.245577>
- قاسمی‌مقدم، ک.، شفیع‌آبادی، ع.، و شریفی، ا. (۱۴۰۲). تبیین الگوی پیش‌بینی تعارضات زناشویی دانشجویان براساس نیازهای اساسی. *مجله روان‌شناسی*، ۲۷(۱)، ۵۷-۵۱. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.18808436.1402.27.1.9.3.57-51>

- کاوه‌فارسانی، ذ.، نظری فر، م.، و محمودی، ف. (۱۴۰۲). ارزیابی الگوی رابطه بین ذهن‌آگاهی و کیفیت رابطه زناشویی با میانجی‌گری باورهای لذت‌بری و قدردانی. *مجله روان‌شناسی*، ۲۷(۱)، ۹-۱. <https://dorl.net/dor/20.1001.1.18808436.1402.27.1.8.2>
- معصوم‌زاده، ش.، و شریفی‌اصفهانی، م. (۱۴۰۲). پیش‌بینی سرخوردگی زناشویی براساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه و بهزیستی ذهنی. اولین همایش ملی زیستن با کیفیت از منظر روان‌شناسی، مشاوره و مددکاری اجتماعی. <https://civilica.com/doc/1689753>
- Asefi Far, F., Shams Esfandabad, H., & Shaterian Mohammadi, F. (2022). Sensation Seeking and Extramarital Relationships: Mediation Role of Marital Frustration. *Iranian Evolutionary Educational Psychology Journal*, 4(4), 64-75. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.25884395.2022.4.4.6.2>
- Biesen, J.N., & Smith, D.A. (2022). Daily relationship satisfaction and depressed mood: The moderating roles of support satisfaction, over-and underprovision. *Journal of Family Psychology*, 36(8), 1439-1445. <https://doi.org/10.1037/fam0000998>
- Caspepp-Borges, V., Gonzales, J.E., Frazier, A., & Ferrer, E. (2023). Love and Relationship Satisfaction as a Function of Romantic Relationship Stages. *Trends in Psychology*, 1, 1-16. <http://dx.doi.org/10.1007/s43076-023-00333-4>
- Chonody, J.M., Gabb, J., Killian, M., & Dunk-West, P. (2018). Measuring relationship quality in an international study: Exploratory and confirmatory factor validity. *Research on Social Work Practice*, 28(8), 920-930. <https://doi.org/10.1037/t77170-000>
- Delshad, F., Naderi Nobandegani, Z., & Zarei Mahmood Abadi, H. (2023). Qualitative Study of Couple Identity Gaps in Disturbed Married Women. *International Journal of Behavioral Sciences*, 17(2), 106-112. [10.30491/IJBS.2023.376754.1882](https://doi.org/10.30491/IJBS.2023.376754.1882)
- Dillon, L.M., Nowak, N., Weisfeld, G.E., Weisfeld, C.C., Shattuck, K.S., Imamoğlu, O.E., & Shen, J. (2015). Sources of marital conflict in five cultures. *Evolutionary Psychology*, 13(1), 47-57. <http://doi.org/10.1177/147470491501300101>
- Dillow, M.R., & Denes, A. (2022). *Forgiveness for a partner's infidelity*. In T. DeLecce & T.K. Shackelford (Eds.), *The Oxford handbook of infidelity* (pp. 415-452). Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/oxfordhb/9780197502891.013.22>
- Eslami, M., Yazdanpanah, M., Andalib, P., Rahimi, A., Safizadeh, M., Dadvar, A., & Nakhaee, N. (2020). Marital satisfaction and emotional divorce among Iranian married individuals: A survey of hospital visitors of nine provinces. *Journal of education and health promotion*, 9(1), 83-92. https://doi.org/10.4103/jehp.jehp_570_19
- Fincham, F.D. (2017). Forgiveness and conflict resolution in marriage. *Journal of Family Psychology*, 18(2), 72-81. <https://doi.org/10.1037/0893-3200.18.1.72>
- Forouzani, S., Norbakhsh Amiri, F., Abbasi, M., Akbarzadeh, N., & Jafari, Z. (2024). Effectiveness of Cognitive Behavioral Therapy on Psychological Hardiness and Marital Relationship Quality in Couples with Marital Conflicts. *Journal of Assessment and Research in Applied Counseling*, 6(2), 105-112. <https://doi.org/10.61838/kman.jarac.6.2.13>
- Gezer, F., & Özkamalı, E. (2023). Predictors of Marital Satisfaction in Married Teachers: Tendency to Cheat and Interpersonal Cognitive Distortions. *International Journal of Psychology and Educational Studies*, 10(4), 976-986. <https://doi.org/10.52380/ijpes.2023.10.4.1148>
- Girma Shifaw, Z. (2024). Marital communication as moderators of the relationship between marital conflict resolution and marital satisfaction. *The American Journal of Family Therapy*, 52(3), 249-260. <http://doi.org/10.1080/01926187.2022.2089404>
- Hamamci, Z., & Buyukozturk, S. (2004). The interpersonal cognitive distortions scale: development and psychometric characteristics. *Psychological Reports*, 95(1), 291-303. <https://doi.org/10.2466/pr0.95.1.291-303>
- Hosseini-Ghidari, A., Goudarzi, M., Ahmadian, H., & Yarahmadi, Y. (2022). Women's Divorce Tendency Based on Their Irrational Communication Beliefs and Individual Differentiation with the Mediating Role of Sexual Performance and Marital Frustration. *Community Health*, 9(3), 67-79. <http://doi.org/10.22037/ch.v9i3.31199>
- Huang, L. S., Molenberghs, P., & Mussap, A. J. (2023). Cognitive distortions mediate relationships between early maladaptive schemas and aggression in women and men. *Aggressive behavior*, 49(4), 418-430. <https://doi.org/10.1002/ab.22083>
- Huston, T.L., Caughlin, J.P., Houts, R.M., Smith, S.E., & George, L.J. (2015). The connubial crucible: Newlywed years as predictors of marital delight, distress, and divorce. *Journal of personality and social psychology*, 80(2), 237. <https://doi.org/10.1037/0022-3514.80.2.237>
- Josiah, G.A., & Nteh, O.K. (2022). Factors and consequences of marital conflicts among spouses in Rivers State, Nigeria. *International Journal of Research in Education and Sustainable Development*, 2(5), 38-46. <https://strathprints.strath.ac.uk/89333/1>
- Kayser, K. (1993). *When Love Dies: The process of marital disaffection*. New York, NY: Guilford Press. https://books.google.com/books/about/When_Love_Dies.html?id=zGLw6LRZtRYC
- Kim, J., & Kwon, K. Y. (2024). Marital dissatisfaction and functional performance in older adults: Heterogeneity in the association by educational level. *Social Science & Medicine*, 340, 116-130. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2023.116460>
- Kline, R. B. (2016). *Principles and practice of structural equation modeling*. Guilford publications. <https://psycnet.apa.org/record/2015-56948-000>
- Körner, R., & Schütz, A. (2021). Power in romantic relationships: How positional and experienced power are associated with relationship quality. *Journal of Social and Personal Relationships*, 38(9), 2653-2677. <https://doi.org/10.1177/02654075211017670>

- Krok, D. (2017). Marriage and psychological well-being: Examining the role of marital relations and communication styles among Polish couples, w: R. Bowers (red.). *Psychological Well-Being: Cultural Influences, Measurement Strategies and Health Implications*, 157-174. <https://www.researchgate.net/publication/316136242>
- Mehrpouya, F., Jajarmi, M., & Mousavi, E. A. (2022). The Inter-structural relationships between early maladaptive schemas and marital commitment of couples: The mediating role of communication patterns. *International Journal of Health Studies*, 2, 23-30. <https://orcid.org/0000-0003-0651-7820>
- Mutlu, M. & Erkut, Z. (2018). A review on the relationship between marital adjustment and maternal attachment. *Revista da Associacao Medica Brasileira*, 46(3), 52-60. <https://doi.org/10.1590/1806-9282.64.03.243>
- Nejatian, M., Alami, A., Momeniyan, V., Delshad Noghabi, A., & Jafari, A. (2021). Investigating the status of marital burnout and related factors in married women referred to health centers. *Women's health*, 21, 1-9. <https://doi.org/10.1186/s12905-021-01172-0>
- Niehuis, S., & Bartell, D. (2006). The marital disillusionment scale: Development and psychometric properties. *North American Journal of Psychology*, 8(1), 69-83. <https://doi.org/10.7508/jrh.2016.04.007>
- Rye, M.S., Loiacono, D.M., Folck, C.D., Olszewski, B.T., Heim, T.A., & Madia, B.P. (2001). Evaluation of the psychometric properties of two forgiveness scales. *Current psychology*, 20(3), 260-277. <https://org/doi/10.1007/s12144-001-1011-6>
- Safari, S., Hasanpoor-Azghady, S.B., & Amiri-Farahani, L. (2023). The role of men's forgiveness in marital satisfaction and coping strategies of infertile Iranian women. *Women's Health*, 23(1), 227. <https://doi.org/10.1186/s12905-023-02389-x>
- Sahan, B. (2021). Does forgiveness affect marital satisfaction? *Spiritual Psychology and Counseling*, 6(3), 83-108. <http://doi.org/10.37898/spc.2021.6.3.146>
- Şimşek, O.M., Kocak, O., & Younis, M.Z. (2021). The impact of interpersonal cognitive distortions on satisfaction with life and the mediating role of loneliness. *Sustainability*, 13(16), 9293. <https://doi.org/10.3390/su13169293>
- Spiers, H.J., Farzanfar, D., Moscovitch, M., & Rosenbaum, R.S. (2023). From cognitive maps to spatial schemas. *Nature Reviews Neuroscience*, 24(2), 63-79. <https://doi.org/10.1038/s41583-022-00655-9>
- Vali Sheikhzahed, E. (2024). Predicting Marital Satisfaction based on Forgiveness and Tolerance in Spouses' Relationships. *Journal of Modern Psychology*, 4(1), 24-30. <https://doi.org/10.22034/jmp.2024.445225.1096>